

عنوان مقاله:

نسبت استکبارستیزی با صلح و مذاکره در منابع سیاست خارجی ج.ا.ا.

محل انتشار:

فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، دوره 4، شماره 15 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

سید جلال دهقانی فیروز آبادی - استاد گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

مهدی روحی - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه امام حسین(ع) تهران، ایران

خلاصه مقاله:

استکبارستیزی یکی از شاخصه های مهم سیاست خارجی دولت اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی است. این شاخصه، مبنای مسلم قرآنی دارد. با آغاز مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی ایران با 6 قدرت جهانی و دست یابی به توافق برجام، مسئله نسبت میان استکبارستیزی با مذاکره و مصالحه مورد سوال قرار گرفت؛ بدین بیان که در صورت مذاکره و مصالحه با مستکبرین، تکلیف استکبارستیزی چه می شود در نگاه اولی اصل استکبارستیزی با مذاکره و مصالحه در تعارض است در صورتی که در سنت و سیره نبوی نیز مذاکره و مصالحه با مستکبرین هم عصر خود، وجود دارد درحالی که نمی توان معصومین (علیهم السلام) را متهم به سازش با کفار کرد. برای دستیابی به مدلی برای تحلیل رفتار سیاست خارجی دولت اسلامی و همچنین سیره عملی معصومین، به این نکته دست یافتیم که احکام و قوانین اسلامی سه گونه است: اول؛ اصول ثابت و لایتنیغیر که استکبارستیزی از جمله آن هاست. دوم؛ متغیر به حسب زمان و مکان. برخی احکام اسلام مربوط به موضوعات و مسائل خاص است که به حسب زمان، مکان و موقعیت قابل تغییر است. تاکتیک رویارویی مستقیم (جنگ)، تخاصم مستقیم بدون شرایط جنگ، مذاکره و صلح از احکام متغیر به حسب شرایط زمان و مکان است و مدل سوم، اصول ثابت اما متغیر که از آن تعبیر به اجتهاد، مصلحت، اهم و مهم و مقتضیات زمان و مکان می شود. حاکم اسلامی با ابزار اجتهاد، مصلحت و... اصول لایتنیغیر را بر موضوعات متغیر به حسب زمان و مکان و مقتضیات، تطبیق می دهد. لذا به لحاظ منطقی ممکن است دولت اسلامی استکبارستیز باشد در عین اینکه به خاطر شرایط خاص، دست به مذاکره زده و به توافقی هم دست یابد. در متن مقاله این مدل طراحی و تبیین شده است.

کلمات کلیدی:

استکبارستیزی، مذاکره، صلح، ثابت، متغیر، اجتهاد، مصلحت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/896080>

